

تداوم و تحول در سیاست گذاری برای اماکن مقدسه در قرن اخیر

نقیسه واعظ شهرستانی^۱

کلام نخست

در شکل گیری ارزنده ترین و بلکه شاهکار هنر و معماری اسلامی در حرم مطهر رضوی باید از نوعی معماری به نام «معماری عشق» یاد کرد.

در کلیت معماری حرم، صحن ها، رواق های آستان قدس رضوی، بعد روحانی و دینی بناها، گویی سایر اصول و موازین ساختاری در معماری را تحت الشعاع خود قرار داده است، در قطعه قطعه آئینه ها، کاشی ها، سنگ ها و مصالح به کار رفته در اماکن مقدسه، به راستی معمار، بر اثر نیرومندی همان معماری عشق، مخاطب را در مسیر روحانی از زمین تا آسمان یاری می رساند.

این گفتار کوششی است، برای پاسخگویی به این پرسش که، **سیاست گذار دولت ها در یک قرن اخیر برای توسعه و ترمیم حرم مطهر امام رضا (ع) بر چه بنیادهایی قرار داشته است؟**

فرضیه این پژوهش بر این مبنا است که سیاست گذاری دولت ها برای توسعه و مرمت اماکن مقدسه از نهضت مشروطه ایران تا کنون از عناصر ثابت و دائمی در فرهنگ اسلامی ملی ایران تاثیر پذیرفته و در تداوم همان سنن و خط مشی های پیشین بوده است و تغییر در پاره ای از خط مشی ها ناشی از تاثیر متغیر شخصیت و دگرگونی در بنیاد نظری حکومت ها در یک صد سال اخیر بوده است.

بخش اول) بنیادهای فکری دولت‌ها در سیاست‌گذاری برای آستان قدس در قرن اخیر فصل اول) سیاست مذهبی قاجاریه در اواخر حکومت

وقوع نهضت مشروطه در ۱۲۸۵ ش نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود، به همین ملاحظه رابطه دین و دولت نیز دچار تغییرات اندکی شد، ولی در اساس پیوندی، که از زمان صفویه بین ایران و تشیع برقرار شده بود، خللی وارد نیامد، پادشاهان این سلسله بارها ارادت خود را به ائمه شیعه و بالاخص به امام رضا با اهتمام به توسعه و بازسازی حرم مطهر و اهدای هدایای نفیس به آستان قدس نشان داده‌اند. ولی در اواخر کار به دلیل بروز پاره مضللات از تداوم سیاست مذهبی خود باز مانده و اراده آنها مصروف حفظ پایه‌های قدرتی شد که کودتاگران سوم اسفند به آن آسیب جدی وارد کردند.

فصل دوم) سیاست مذهبی دولت پهلوی

سیاست مذهبی پهلوی‌ها در طول پیش از نیم قرن، فراز و فرودهایی سپری نمود. بنیاد فکری سیاست‌گذاری در دوره رضا شاه بر سه پایه سانترالیزم، ناسیونالیسم و مدرنیسم قرار داشت که دقیقاً همان شالوده‌های فکری، گفتمان رضا شاه در قبال سیاست‌گذاری برای اماکن مقدسه را روشن می‌ساختند. در باور رضا شاه اگر دین می‌توانست به پیشبرد پروژه یکپارچه‌سازی ایران معاونتی نماید، چه جای آن داشت که رضاشاه در آغازین سال‌های حکومت خود از برقراری رابطه مثبت با نهاد دین و دل‌جوئی از آنان پرهیز نماید؟ به این قرار او به هنگام زیارت امام رضا در مشهد با "باز کردن سلاح از کمر" آشکارا رعایت تقدس حرم را می‌نمود. اما اشتیاق‌های او برای نوسازی و ملت‌سازی آرام آرام دولت او را به سوی مهار قدرت روحانیون در آغاز و اسلام‌زدائی و دین‌گریزی در سال‌های پایانی سوق داد.

دولت پهلوی کانون‌های قدرت روحانیت را با نوسازی در عدلیه، قانون متحد الشکل ساختن لباس، اداره مکاتب و اوقاف نشانه رفت و استثنایی برای عملکرد «اداره رسومات و مشروب فروشی در سه شهر مذهبی قم، مشهد و اصفهان»^۱ قائل نشد.

در سال‌های بعد، به تخفیف قدرت روحانیون اکتفا نکرد و پا را از آن دایره نیز فراتر نهاد. و به تهدید روحانیون پرداخت، چون معتقد شده بود ایران مدرن «یرانی است رها از نفوذ روحانیون، دسیسه بیگانگان و اختلافات قومی»^۲ لذا مذهب زدائی و دنیاگرایی ملت‌سازی و نوسازی را در سرلوحه برنامه‌های دولت خود قرار داد. رضاشاه، بیشتر به ابعاد عملی و اخلاقی اسلام توجه داشت و حتی چند نوبت به زیارت رفت، اما به پیشنهادی، از این نوع که همانند شاهان گذشته یادگاری از خود در امام رضا (ع) بگذارد، با این استدلال که من «همت»^۳ خود را به یادگار می‌گذارم، وقعی ننهاد.

اما، دست کم دوبار هتک حرمت از اماکن مقدسه در دوره رضا شاه یک بار به وسیله خانم‌های دربار در قم^۴ با عدم رعایت پوشش مناسب و بار دیگر در حمله به مسجد گوهرشاد^۵ در ماجرای رفع حجاب، بر عمق تعارض میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی افزود و سبب شد، زخم‌های ناشی از جراحات آن وقایع تا سقوط رژیم شاهنشاهی، التیامی نیابد.

سیاست مذهبی محمدرضا شاه

بنیاد سیاست گذاری دولت پهلوی دوم نیز کما بیش بر همان سه پایه تمرکزگرایی، نوسازی و ملت سازی قرار داشت. اما سیاست مذهبی محمدرضا شاه تفاوت هایی با پدر داشت، از جمله اینکه با تجربه آموزی از سیاست پدر، با عدم حمله مستقیم به نهاد دین در صدد حفظ حرمت این نهاد به ویژه در دو دهه اول حکومت خود برآمد، و در این دو دهه که فراز روابط دولت با نهاد دین محسوب می شود، محمدرضا شاه برای نمونه در مراسم ختم آسید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد و دولت هژیر در تیرماه ۱۳۲۸ «تدارک و فروش مسکرات در اماکن مقدسه»^۷ مثل مشهد را ممنوع کرد. همچنین محمدرضا شاه در توجه به نهاد دین از عمل به توصیه های ماکیاویستی غفلت نداشت و از این رو نگاه ابزاری به دین و عوام فریبی و علاقه های شخصی محمدرضا دیگر عناصر سازنده سیاست مذهبی دولت پهلوی دوم را تشکیل می داد. اما، از دو دهه اولیای که روحانیون به دربار دسترسی آسانی داشتند تا فرود روابط دولت با نهاد دین فاصله ای نبود.

دولت در دهه ۴۰ برای توسعه و مرمت حرم مطهر، فرم گرائی و مهرورزی، گسترده ای را به نمایش گذاشت. هدف دولت از آن تظاهرات دینی رهایی از «بحران لیاقت» در خدمت رسانی به زائرین امام رضا بود. در این دهه و دهه بعد، اقدام به اعمال سیاست سانترالیزم حکومتی حتی در حوزه اماکن مقدس نمود و اداره مسجد گوهر شاد و اداره جذامیخانه حضرت و موسسات مالی حامی علما^۸ را تحت کنترل درآورد. با ورود در دهه چهل بانهاد مذهب بر سر اصلاحات ارضی، نوع رابطه با امریکا رویارو، و متهم به ترویج غربگرایی از سوی امام خمینی شد. و در نهایت اراده دولت معطوف به تخفیف اسلام با کسب مشروعیت از ایران باستان گردید، با اهانت به روحانیون و اجرا برنامه های چون "کنگره بین المللی مطالعات میترائیسم در تهران"^۹، تغییر تقویم، منتسب ساختن توسعه نا یافتگی ایران به افکار ارتجاعی روحانیون و ادعای اینکه "سلسله پهلوی به چیزی جز ایران عشق نمی ورزد"^{۱۰} آخرین حلقه های اعتماد سست شده میان دین و دولت را از هم گسست.

فصل سوم) سیاست مذهبی جمهوری اسلامی ایران

شالوده سیاست گذاری در جمهوری اسلامی ایران بر محور سه پایه سیاست گذاری در رژیم پیشین قرار نگرفت. گرچه یکی از بنیادهای سیاست گذاری در جمهوری اسلامی نیز بر تمرکزگرایی شدید قرار داشت و بر این مینا، در ابتدا انقلاب پس از پاکسازی ادارات آستان قدس، دولت مقرر نمود که "کلیه آئین نامه های استخدامی دولت و مصوبات مجلس نیز همزمان با سازمانهای دولتی در آستان قدس به اجرا در آید"^{۱۱}، اما، برجای ناسیونالیسم، اسلام نشست و مدرنیسم نیز جای خود را به خصوص در خط مشی دولتی برای اماکن مقدسه به نوعی "مدرنیسم پوپولیسمی" داد.

از همان سبیده دم انقلاب، در قانون اساسی^{۱۲} و بیانات امام خمینی بر حفظ و تقویت مبانی حکومت دینی، تبلیغ دینی، یگانگی دین و سیاست تاکید شد.

امام خمینی در متن حکم انتصاب حجة الاسلام واعظ طبسی به تولیت آستان قدس، اظهار امیدواری

نمود که خداوند او را نیز "از خدمتگذا ران آستان قدس رضوی" قرار دهد.

اسامی رواقی‌ها و صحن‌های پس از انقلاب مانند رواق دارالولایه، صحن قدس، .. اندیشه یگانگی دین و سیاست را آشکار می‌سازد. گستره اقدامات فرهنگی با ماهیتی اسلامی نشان از تاثیر گسترده بنیاد فکری اسلامی بر برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی دارد، برقراری کنگره جهانی امام رضا ایجاد و توسعه نهادهای مدرنی چون کتابخانه، موزه، دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ نشریات و... همه و همه در خدمت تبلیغ و ارشاد دینی و در نتیجه تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی قرار دارند.

اما به نظر می‌آید یکی از پایه‌های سیاست گذاری برای اماکن مقدسه در دوره جمهوری اسلامی تأمین و تعقیب و تضمین حمایت مردمی و به تعبیر این پژوهش افعال پوپولیسمی است. بهره‌مندی از مناسک و سمبل‌های مذهبی برای بسیج مردمی، تأمین وجهه اخلاقی با توسعه نهادهای پس از انقلاب همانند "امداد زائرین"، موسسات درمانی، دارالشفاء، داروخانه امام و... جلوه‌های عملی چنان بنیاد فکری در سیاست گذاری به شمار می‌روند.

همچنین، در ساخت طرح دور فلکه حضرت رضا (ع) بعد از انقلاب (که به زعم انقلابیون و برخی از معماران، طرح دور فلکه پیش از انقلاب عامدانه حرم مطهر را در انزوا قرار داده بود) سعی شد که پیوند حرم با بافت و محلات شهر حفظ شود.

در عصر حکومت اسلامی، دیگر عبارت حزن آور: "یا غریب الغریبا" برای امام رضا (ع) کمتر به کار می‌رود، مگر بر اثر یک عادت مداحی، چه غربت امام رضا در حلقه زائران میلیونی و آن همه شکوه و جلال خیره کننده بناها احتمالاً خالی از معنا خواهد بود.

فصل دوم (روند توسعه و مرمت حرم مطهر رضوی در صد ساله اخیر

زنجیره‌ای از بحران‌های داخلی و خارجی پس از نهضت مشروطه و آشفتگی‌های که متعاقب آن در ایران رخ داد، حتی اگر اراده‌ای برای دولت قاجار در رسیدگی به حرم وجود داشت را سلب کرد به طوری که در اواخر حکومت قاجار، به استثناء چند اقدام خرد، مانند "آئینه کاری دارالسیاده، تقدیم در نقره، مرمت ایوان و سر در غربی صحن و ترمیم وضو خانه"^{۱۳}، کوشش دیگری صورت نگرفت.

در سال ۱۳۳۰ ق در آخرین سال‌های حکومت احمد شاه قاجار " که کلمه فروشی در سوئیس را بر حکومت در ایران ترجیح می‌داد " روس‌ها^{۱۴} به مردمی که در حرم امام رضا تحصن نموده بودند حمله کرده و حرم مطهر را گلوله باران نمودند. و بدینسان، فاجعه کشتار پناه یافتگان به حرم امام رضا و اصابت "گلوله‌های توپ بولمطر و گرناد به گنبد مطهر"^{۱۵} ردتلخی در حافظه جمعی ایرانیها در تاریخ معاصر ایران برجای گذاشت.

در سال بعد، والی وقت خراسان نیرالدوله در سال ۱۳۳۱ق امر به تعمیرآستانه مقدسه را داد و در رأس معمارها و عملجات "اولین خشت و گچ تعمیر گنبد را به دست خود کار گذاشت"^{۱۶}

پس از کودتا سوم اسفند ۱۲۹۹ ش سید ضیاءالدین طباطبائی در تلگرافی برای کلنل پسیان منظره آستان قدس را " رقت انگیز" توصیف کرد و دستور تشکیل کمیسیونی برای انحلال موسسات پیشین و ساماندهی به امور را داد.

در دوره رضا شاه فکر تعویض ضریح^{۱۷} حضرت، مورد موافقت قرار گرفت ولی اجرا نشد و در تداوم سیاست کلان نوسازی و تمرکزگرایی در کشور، آستان قدس را نیز در بر گرفت و دولت در آستان قدس رضوی اقدام به منع بست نشینی، نصب سنگ مرمر بر قبر مطهر حضرت رضا، تعطیل هشت ساله نقاره خانه، و طرح ساخت موزه رضوی نمود در دوره رضا شاه دو طرح غوغا برانگیز مربوط به حرم رضوی صورت گرفت، یکی آغاز تخریب ساختمان ها و عمارت های گرداگرد حرم در سال ۱۳۰۸ ش با هدف ساخت فلکه حرم، و دیگری طرح انتقال طلاهای حرم به بانک ملی ایران در تهران در سال ۱۳۱۶ که با عنایت به بی اعتمادی و تردید به مواضع دینی رضا شاه با بدبینی های بسیاری در کشور رویارو شد.

موج های بلند نوسازی این دوره در آستان قدس رضوی نیز سر بر آورد و به موجب دستورالعمل های دولتی، دفتری برای انتظامات و مراقبت امور تاسیس و فهرستی از همه دفاتر موجود به اسلوب جدید تهیه و تنظیم شده، سرداب مخصوصی با رعایت اصول فنی و بهداشتی برای دفن اموات ایجاد و بیمارستان جدید و مجهزی برپا و موسسات فرهنگی آستان قدس به " اداره دولتی فرهنگ " واگذار گردید.

در دوران سی هفت ساله حکومت محمدرضا، اقدامات نسبتاً گسترده ای برای توسعه و مرمت حرم مطهر صورت گرفت. در دهه ۱۳۲۰ به دلایل متعدد، از جمله به خاطر موضوع تألم برانگیز اشغال ایران، واقعه خودمختاری آذربایجان و کردستان و نا آرامی های ناشی از بیداری احساسات ناسیونالیستی و زمینه سازی برای رخداد ملی شدن صنعت نفت در ایران توجه دولت پهلوی دوم به آستان قدس در حیطه مرمت منبر، تأسیس نوانخانه خاتمه بنای موزه و اصلاح آئین نامه آستان قدس در ۱۳۲۸ محدود ماند و دولت در وانفسای رخدادهای دهه ۳۰، اقدامات نمادین زیر را برای توسعه و ترمیم حرم منزه امام رضا (ع) انجام گرفت:

احداث کتابخانه، ساخت و آئینه کاری رواق بزرگ دارالسرور در ۱۳۳۸-۱۳۳۴، تعمیر سر در شمالی صحن جدید و مرمت و کاشی کاری آن در ۱۳۳۷، تبدیل آسایشگاه خدام به در دارالسلام در ۸-۱۳۳۴، ساخت و تجدید مرمت و توسعه رواق دارالسعاده، مرمت اساسی دیوان مقصوره مسجد گوهر شاد و سر انجام نصب ضریح طلا و نقره (شیر و شکر) در ۱۳۳۸ بر حرم مطهر^{۱۸} که نصب ضریح همچون گذشته و پس از آن، از همه پرآوازه تر شد.

در این دهه در سال ۱۳۳۷ ش با رویکردی سیاسی و احتمالاً در راستای سیاست کمونیسم ستیزی دولت غربگرا پهلوی دوم، به گاه اقدام برای مرمت ایوان غربی صحنه کهنه که در اثر ضربات گلوله توپهای روس ها در اواخر قاجار، صدمات جدی دیده بود، جای گلوله ها ترمیم نشد، بلکه در یک اقدام نمادین و احتمالاً برای القا " شوروی ترسی " پس از تعمیر کتیبه آسیب دیده " روی دو نقطه که گلوله به آن خورده بود، دایره ای به خط زرد رسم کردند و در آن نوشتند، جای گلوله "

در دهه ۱۳۴۰، بنا به انگیزه ها و شرایط مساعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند، تحکیم نفوذ و قدرت دولت، تأمین ثبات، اتکا به پشتوانه قابل ملاحظه درآمد نفت و پیشرفت تکنولوژی در حوزه ارتباطات و افزایش چشمگیر زائران توجه بیشتری به اماکن مقدسه صورت گرفت تأثیر متغیر شخصیت عظمت گرامحمرضا سبب شد او مکان مقدسی چون بارگاه پاک ثامن الائمه را عرصه بلند پروازی خود

قرار دهد. و برای اجرا این خط مشی تعمیرات اساسی و پی‌ریزی بسیاری از بناهای قدیمی و بتون آرمه کردن و ساخت بناهای جدید با تلفیق معماری سنتی و مدرن صورت گرفت. به طوری که از اقدامات انجام یافته برای حرم مطهر در دهه چهل با اندکی تسامح می‌توان به "انقلاب در توسعه و مرمت آستان جنت مکان رضوی" قبل از انقلاب اسلامی تعبیر نمود.

فهرست تدابیر دولت در این دهه در حریم امام رضا به قرار زیر است:

تعمیر اساسی رواق دارالضیافه، برچیدن بست‌ها و تجدید عمارت^{۱۹}، تزئین ایوان صحن جدید، تعمیر و تزئین آئینه‌کاری دارالعهده (کشیکخانه سابق) در ۴۴-۱۳۳۴۲، تغییر کاربری قرائتخانه به رواق دارالشکر در ۴۴-۱۳۴۲، بنای رواق دارالخلاص در ۴۴-۱۳۴۲، تخریب کارخانه کاشی‌سازی و تیمچه حکاکها و فیروزه تراشها و ساخت بناهای جدید به جای آن در ضلع شرقی صحن موزه و ساخت تالار جدید تشریفات با سنگفرش مرمر و سقف گچ‌بری شده زیبا، بسیار ظریف و کم‌نظیر و آئینه‌کاری بی‌بدیل، مرمت دارالذکر و تجدید آئینه‌کاری دارالسعادة و گشودن راه به دارالسرورد در ۴۴-۱۴۴۰، تبدیل مدرسه علی نقی میرزا به دارالذکر، کاشی‌کاری زیبای مسجد بالای سر مبارک در ۳۴۴، ساخت دارالعهده در ۴۴-۱۳۴۲، تعمیر ایوان نقاره‌خانه در ۱۳۴۶، مرمت زیر سر در نقاره‌خانه با "کاشیکاری معرق ممتاز و طرح بسیار زیبا" (موتمن، ص ۱۸۳) انضمام راهرو کشیکخانه (گنبد اپک میرزا) به رواق دارالسلام در ۱۳۴۷ و مرمت و توسعه این رواق به صورت رواقی بسیار عالی و مجلل و با شکوه، نماکاری صحن موزه ۶-۱۳۴۷، نوسازی رواق توحیدخانه و مسجد ریاض در ۱۳۴۷، تعمیر و تجدید کاشی‌کاری در سر در شمالی صحن عتیق و سر در جنوبی صحن جدید در ۴۹-۱۳۳۸.

اما خط مشی دولت پهلوی در توجه به آستان ملایک پاسبان در آخرین دهه حکومت در دهه ۵۰، علاوه بر ساخت دو رواق به نام دارالزهده و دارالعباده ۵۲-۱۳۵۰ و ترمیم طلاکاری گنبد مطهر در ۱۳۵۷، عمدتاً مصروف تسری سیاست مدرنیزاسیون شتابزده کشوری به شهر مقدس مشهد، در اجرا طرح فلکه حرم در ۱۳۵۷ به وسیله نایب التولیه و استاندار پراگماتیست و بدآوازه خراسان، عبدالعظیم ولیان شد.

ولیان متهم بود که از اموال و بناهای آستان قدس سوء استفاده کرده و از پول امام رضا برای کاخ شاهی در ملک آباد در مشهد ۴۰ میلیون تومان با سندسازی ساخته و در دهن کجی آشکار در "مراسم غبار روبی حرم از رضا علیشاه تا بنده، صوفی انگلوفیل و قطب دراویش گنابادی و ثابت پاسال بهائی" (رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، صص ۳۹۸ تا ۴۰۳) دعوت نموده است.

ماموریت دشوار ولیان که سایر نایب التولیه‌ها و استانداران مشهد، مثل سید جلال تهرانی از انجام آن طفره رفتند، مستلزم به مبارزه طلبیدن خیل عظیمی از بازاریها، متدینین بدبین به حکومت، اداره باستانشناسی و تخریب مغازه‌ها، هتلها، منازل مسکونی، پاساژها و مساجد، مدارس، کاروانسراها، آب انبارها و مراکز حوزه علمیه^{۲۰}، بناهای باستانی دوره افشاریه و قاجاریه برای طرح فلکه دور حرم بود، ریسکی که ولیان مرتکب شد و به معامله‌گر مغبونی تبدیل شد که در انجام معامله به آنچه به دست می‌آورد می‌اندیشید،

نه به آنچه که از دست می‌دهد. و انبوهی از آزرده خاطر و تشدید و تعمیق واگرایی میان قدرت سیاسی و اجتماعی را به بار آورد، و افعال او به یکی از عوامل کسری مشروعیت رژیم پهلوی، دست کم از دید زائران متدین و اهالی مشهد تبدیل گردید.

در دوران پس از انقلاب، پروژه‌های پایان یافته و یا در حال انجام، دگرگونی کمی و کیفی چشمگیری نسبت به دهه‌های گذشته داشت که اگر چنین نمی‌شد جای شگفت داشت.

پس از انقلاب اسلامی متولیان وقت، در نگاه نخست با کار نیمه تمام طرح دور فلکه و فضا وسیع و برهوت مانند اطراف حرم، که میراث برجای مانده از رژیم پیشین بود، مواجه شدند و تصمیم بر آن شد که از آن فضا برای خلق تعدادی مراکز زیارتی، علمی بهره‌برداری نمایند و لذا اقدامات انجام یافته عمدتاً بر مدار ایجاد صحن چرخید، و صحن جمهوری اسلامی، بست شیخ بهالدین عاملی و بست طبرسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، کتابخانه مبارکه رضویه ساخته شد و دیواری در قسمت جنوبی صحن موزه گذاشته شد حکومت اسلامی که شالوده قدرت خود را بر بنیاد متفاوتی پایه گذاری نموده بود، با کنار گذاشتن طرح سابق برای فلکه حضرت که اطراف حرم را به صورت تجاری در می‌آورد تدابیری اندیشیده شد که عمدتاً ابنیه اطراف حرم به امور زوار تعلق گیرد.

کارشناسان معماری و مهندسی بر آنند طرح فلکه حرم مطهر که از سال ۱۳۶۲ آغاز شد، مولفه‌های زیر را داراست:
۱. سهولت دسترسی عابری از راه‌های مختلف به حرم ۲. انجام طرحی در مقیاس شهری ۳. در نظر گرفتن عناصر فرهنگی، مذهبی و تاریخی پیرامون طرح فلکه و ارتباط با عناصر معماری جدید ۴. اهمیت به دوام ساخت و سازها بتن آرمه کردن بناها و استفاده از قطعات پیش ساخته بتنی.^{۲۱}

همچنین در دوره جمهوری اسلامی برپایه چشم داشت‌های از انقلاب اسلامی و مردمی، افزون بر اتمام طرح فلکه، کوشش‌های برای تجدید طلاکاری گنبدها و گلدسته‌ها، توسعه و زیباسازی همه فضاهای که چشم انداز فریبائی را در معرض دید زائرانی از هر طبقه بیافریند، صورت گرفت.

راه اندازی، بازسازی و گسترش چشمگیر موزه‌های مانند موزه و گنجینه قرآن در سال ۱۳۶۴، موزه تمبر و اسکناس در سال ۱۳۶۹، موزه فرش در سال ۱۳۷۷ (که در این یکی برای نمونه آثار فاخر کمال‌الملک و استاد مینیاتورست نامی ایران و جهان استاد محمود فرشچیان و حتی اثر منحصر به فردی از منظره "شهر ونیز" از کاره ویلیام جیمز در آن نگهداری می‌شود)، موزه تاریخ طبیعی در سال ۱۳۷۸، موزه نقاشی، موزه تاریخ مشهد، موزه نجوم و ساعت و موزه سلاح، سکه و مدال (مصاحبه با علی پهلوان، کارمند بخش روابط بین‌الملل آستان شریف رضوی در تیر ماه ۱۳۸۶) اگر چه بر بستری از فعالیت پیشینیان گذاشته شد اما، پس از انقلاب متعدد و متنوع‌تر گردید.

در سال‌های پس از آن، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس در سال ۱۳۷۴ افتتاح، و برای متناسب‌سازی هرچه بیشتر فضا و بنا، بناهای چون دانشگاه علوم اسلامی رضوی در ۱۳۶۲ ساخته شد پس از آن با انتقال بیمارستان به محل جدید و زنده کردن نام عربی - اسلامی دارالشفاء و ارائه پیشرفته‌ترین امکانات پزشکی، نماد دیگری از سیاست گذاری اسلامی - مردمی، حکومت جمهوری اسلامی در شهری که

نمونه شهر دینی در جمع شهرهای دیگر قلمداد می‌شود، به نمایش گذاشته شد. تبدیل برخی از صحنهای تشریفاتی به صحنهای عمومی، استفاده از فضا های مقابل مسجد گوهر شاد^{۳۳} برای ساخت صحن قدس و افزودن صحن های جامع رضوی، کوثر، غدیر، هدایت و رضوان بر مجموعه زیبای ابنیه حرم مطهر از دیگر برنامه‌های دولت در عصر حکومت اسلامی بوده است. در سال‌های بعد علاوه بر احداث و مرمت بیشتر محوطه حرم، به ایجاد زیرگذری برای کاهش بار ترافیکی در اطراف فلکه حرم مبادرت ورزیده شد و برای حفاظت مؤثر از آثار ارزنده تاریخی و هنری موجود در آستان قدس، در مواردی اقدام به بالا بردن کتیبه ها و دور از دسترس قرار دادن آنها و در صورت نیاز اضافه کردن کتیبه جدید شد، که در مورد اخیر با انجام یک تفاوت مثلاً کاربرد گچ به جای کاشی عامدانه بر مقاطع تاریخی متفاوت اثر، مهر تأیید زدند.

یکی از درخشانده‌ترین طرحهای معماری برای توسعه حرم پس از انقلاب، ساخت رواق بزرگ ۹۷۰۰ متری موسوم به " رواق دارالولایه " در ۱۳۶۸ بود که از راههای مختلفی به اماکن و بیوتات متبرکه آستان قدس راهی برای آن در نظر گرفته شد.

همچنین در سال ۱۳۷۹، پنجمین ضریح به وزن ۱۲ تن و ابعاد ۳/۷۳ در ۴/۷۸ متر و ارتفاع چهار متر پس از هفت سال کوشش عاشقانه برای آفرینش اثری هنری با کیفیت عالی و نهایت استحکام در مقبره قدسی امام رضا نصب شد.

علاوه بر آن، در تشکیلات و ادارات تابعه آستان قدس در دوران بعد از انقلاب دگرگونی قابل ملاحظه‌ای رخ داده است که به دلیل محدودیت صفحات از ذکر اسامی و فعالیت آنها اجتناب می‌شود.

فصل سوم) تداوم و تحول در سیاست‌گذاری در یک قرن اخیر

به نظر می‌رسد از زمان تشکیل دولت صفویه و رسمی شدن آئین تشیع در ایران به این سو و به ویژه در صد سال اخیر مورد بحث، به دلیل وجود دست کم چهار عنصر ثابت در فرهنگ سیاسی، اجتماعی و وضعیت اقتصادی ایران و با وجود تغییر حکومت‌ها، همچنان برنامه‌ریزی برای توسعه و مرمت حرم رضوی از سنن پا برجای و اصول ثابتی پیروی کرده است که به اختصار درباره هر یک توضیحی ارائه می‌شود:

۱. ماهیت دولت شیعی ایران

با اعلام رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوره صفویه و به خصوص در اواخر این دوره، "میان تشیع و وجدان ملی ایرانی نوعی پیوند برقرار شد و گذر روزگار نشان داد که آن در هم تنیدگی پایدار، و اثرات آن برگشت‌ناپذیر بوده است"^{۳۳}

در دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی فرایند یکی شدن ایران و تشیع تداوم یافت، به این قرار، خط مشی دولت پهلوی در قبال اماکن مقدسه با وجود عدم اعتقاد به یگانگی دین و سیاست، در واقع ابزار نیرومندی برای اظهار وفاداری محمد رضا شاه و دولت وقت به آئین تشیع بود.

به نظر می‌آید، نماد گرایی در بین شیعیان و تأکید شیعیان بر سمبل‌ها و بها قائل شدن برای تشریفات مذهبی و گرایش نهادینه شده تشیع به تظاهرات مذهبی، بستر مناسبی برای همه دولت‌ها صرف نظر از ماهیت ایدئولوژیکی جهت اتخاذ سیاست‌گذاری همسان فراهم کرده است.

۲. امام رضا (ع) هسته هویتی ایران اسلامی

در باور ملتی با دیرینگی فرهنگی ایران و وجود تجربه حکومت‌های پادشاهی گسترده - درست یا نادرست - امام رضا، شاه رضا است (چه ایرانیها با وجود پلورالیسم قومی در وجود شاه که از نظر آنها سمبل وحدت ملی بوده، به یگانگی می‌رسیدند) وجود کتیبه‌ای در بالای در ورودی ایوان زیر ساعت بست بالا، مربوط به دور صفویه در آستان قدس با عبارت:

چون ز دولت سرای شاه رضا یافت این باب زینت دیگر

مویدی بر گفتار ماست.

در ادبیات فارسی، امام رضا، سلطان علی بن موسی الرضا نامیده می‌شود. در اینکه آستان قدس رضوی یک میراث اسلامی - ملی برای ایران به شمار می‌رود و وجود نازنین پیکر امام با معرفت شیعیان در جغرافیای سرزمینی ایران، موجب برکت برای ایران و حلقه اتصال اقوام متعدد ایرانی است، اندک تردیدی نمی‌توان روا داشت.

امام خمینی در ۱۳۵۹/۱/۱۵ در جمع میهمانانی که از آستان قدس به دیدار ایشان رفته بودند، اظهار داشتند: "من امیدوارم که به برکت آن آستان مقدس جمهوری اسلامی ایران از این به بعد پیروزمندانه به پیش برود". تأکید بر مراسم نقاره‌زنی که جنبه تشریفاتی داشته و در کاخ‌های پادشاهان و امرا ایرانی نواخته می‌شده، در دولت‌های شیعی ایران کاربردی اسلامی پیدا کرد و در این دوره محض احترام سلطان علی بن موسی الرضا و برای اعیاد و سوگواری‌ها نواخته می‌شود و جذبه و شوری زائد الوصف در زائرین داخلی و خارجی بر می‌انگیزد.

به دلیل همین کانون هویتی اسلامی - ایرانی امام رضا، سلاطین، امرا و مهمانان خارجی بسیاری مثل امان‌الله خان در ضمن دیدار سیاسی از ایران به دیدار امام رضا شرفیاب می‌شدند و عالمانی چون شیخ بهائی و نام‌آوران نظام سیاسی مثل عباس میرزا نایب السلطنه، در آن قطعه شریف ایران به خاک سپرده شدند.

۳- الزامات نوسازی و حس نیرومند زیبا گرایی ایرانی‌ها

دو عنصر یاد شده اساس بسیاری از سیاست‌گذاریها برای توسعه و مرمت در صد ساله اخیر، صرفنظر از نام کار فرما، طراح و مجری را تشکیل داده است.

پایه ثابت سیاست گذاری در قرن اخیر مدرنیسم بوده است و روح حاکم بر سیاست گذاری‌های کلان را الزامات و اشتیاق نوسازی رقم می‌زده است، برای نمونه وقتی در دوره رضا شاه "انقلاب راه سازی" رخ می‌دهد و در زیباسازی بسیاری از فضاها، جدیت عمیق صورت می‌گیرد آنگاه اهتمام اسدی نایب التولیه

آستان قدس در اجرای طرح فلکه دور شهر و گل و گلکاری آن که به گفته روزنامه خراسان شهر مشهد را از موقعیت بهتر و عالی تری برخوردار می کرد، اعجاب انگیز نخواهد بود. به گفته هدایت "در این دوره اساس همه نوها به جای معمولات و آداب کهنه است" یا وقتی ولیان با مقاومت برای اجرای طرح دور فلکه حضرت روبرو شد، چنین استدلال می کرد "باید معابر توسعه پیدا کند و من به امر شاه، این برنامه را انجام می دهم."^{۲۴}

در تمام این سال ها، الزام در رفع نا موزونی، مهار فرسودگی و کهنگی ابنیه، توجه به هارمونی، افزایش تعداد زائرین به علاوه حس قوی زیباگرایی و هنر دوستی ایرانیها، سیاست گذاری برای توسعه و مرمت را اجتناب ناپذیر ساخته است.

۴. مهیا بودن پشتوانه اقتصادی توسعه و مرمت

چنین به نظر می آید اداره آستان قدس به خصوص از زمانی که نظم و نسقی در تشکیلات اداری آستان قدس راه یافت و امور وقف و نذورات ساماندهی شد، و از دهه چهل به بعد که اوضاع اقتصادی بازار رونقی یافت، کار توسعه و مرمت حرم، کمتر با مشکلات روبرو بوده است و ماهیت فی سبیل الهی، ذوقی و آخرتی کار برخی از معماران و واقفان برچالشهای طرح های معمول معماری و اجرا، خط بطلان کشیده است. با نگرشی کلان به عالم تشیع و در نگاهی تطبیقی به رونق و شکوه و جلال اماکن مقدسه به خصوص بارگاه ملکوتی امام رضا در ایران با مہجوری و غربت غم انگیز اماکن مقدسه نجف، کربلا، کاظمین و سامرا در عراق، بسیاری از واقعیت ها در باره تاثیر پشتوانه اقتصادی بر سیاست گذاری حکومت ها و ... آشکار می شود.

اما این همه باعث نمی شود که از ذکر متغیرهای تاثیر گذار بر سیاست گذاری در قرن اخیر، چشم بپوشیم. چنانچه در سطور پیشین ذکر آن رفت تفاوت سیاست مذهبی حکومتها، سیاست گذاری برای توسعه و مرمت اماکن مقدس را تشدید و تعدیل می سازد، اما مانع نمی شود افزون بر متغیر ملی به معنی تغییراتی در اوضاع اجتماع، اقتصاد و فرهنگ و روحیه ملی نیز در روند سیاست گذاری ها به طور عام و درباره اماکن مقدسه به طور خاص سبب افراط و تفریط می شد.

همچنین متغیر شخصیت که به معنی باز خورد برداشت ها، ایده آلهها و تصورات مقامات تصمیم گیرنده بر فرایند تصمیم گیری می شود، امر سیاست گذاری دینی را دچار تشدید و تعدیل می سازد ولی چون سیاست گذاری برای اماکن مقدسه اساساً از عنصر دینی سنتی پایداری، در ایران تبعیت می کند این متغیر نیز یارای ممانعت از برنامه های گذشته را ندارد، برای نمونه توجه رضا شاه به ابعاد عملی مذهب سبب شد چهار نوبت به زیارت امام رضا برود، و با وجود تعقیب سیاست های کلان ملی برای رضا شاه و عدم اولویت سیاست توسعه و ترمیم حرم امام هشتم، با این حال توجه به آستان ملایک پاسبان امام گرچه کند، اما دچار وقفه اساسی نشد.

علاقه شخصی محمدرضا شاه به امام رضا، دعاوی او درباره مأموریت الهی داشتن،^{۲۵} کمر بسته امام رضا

بودن (زونیس، ص ۲۷۲) و زیارت های مکرر او از امام رضا که خود را وابسته به او معرفی می نمود (نراقی، ص ۱۶۱) حتی در آخرین سال سلطنت که از تاکتیک سفر تبلیغی زیارتی امام رضا باز نماند، بی تردید در سیاست گذاری برای اماکن مقدسه تأثیر گذار بوده است.

در عصر جمهوری اسلامی ایران نیز، حضرت امام با گفتن این جمله که "اصلاً آستان قدس مرکز ایران است" بر خط مشی کلان کشور برای اماکن مقدسه اثری غیر قابل انکار بر جای گذاشتند. دیدارهای رهبر انقلاب و رؤسای جمهور و مقامات ارشد تصمیم گیرنده جمهوری اسلامی از مشهد، گفتمان جمهوری اسلامی در قبال اماکن مذهبی روشن می سازد، در اخیرترین بازتاب متغیر شخصیت بر سیاست گذاری در این حوزه می توان از اقدام آقای احمدی نژاد به پیوستن ایران به جمع کشورهای هسته‌ای از کنار حرم رضوی در سال ۱۳۸۵ یاد کرد.

همچنین خلق و خو و باورداشت‌ها و طرح‌های ویژه فکری نایب التولیه‌های آستان قدس و تفاوت‌های شخصیتی آنان در روند سیاست گذاری حرم مطهر اثر گذاز بوده است. برای نمونه اسدی، نایب التولیه آستان قدس در دوره رضا شاه (آئینه عبرت خاطرات نصرالله سیف پور فاطمی، ص ۸۸۹) قائل به احتیاط در به کارگیری نوآوری در مشهد مقدس بود و جان را بر سر این سودا در واقعه تهاجم رژیم به مسجد گوهر شاد، باخت، پاکدامنی و تلاش‌های موثر پیرنیا دیگر نایب التولیه، قاطعیت و مادی گرائی عبدالعظیم ولیان در دوره محمدرضا و جایگاه والای حجة الاسلام طبسی نایب التولیه منتسب امام خمینی همگی در جایگاه متغیر شخصیت به موازات سایر متغیرهای اثر گذار بر سیاست گذاری اثر داشته‌اند.

سخن پایانی

بنیادهای سیاست گذاری در هر دوره‌ای، روح حاکم بر خط مشی دولت‌ها در توسعه و مرمت اماکن مقدسه را تعیین می کند. توصیف و تحلیل اقدامات کلان و خردی که برای آستان قدس انجام گرفته است جز با واریسی دقیق در شالوده‌های فکری دولت‌ها میسر نیست. اما، همه دولت‌های حاکم در این قرن بر ایران اعم از واپسین پادشاهان قاجار، و رضا شاه و محمدرضا شاه و سردمداران جمهوری اسلامی کم و بیش به این واقعیت در متن جامعه ایرانی پی برده‌اند که کوشش‌های آنان برای توسعه و مرمت اماکن مقدس رابطه دولت با نهاد دین و ملت را تحکیم می نماید و آفرین هنر شناسان و سپاس زائرین را بر می انگیزد. به طوری که میزان موفقیت دولت‌ها در توسعه و ترمیم اماکن مقدسه به ویژه آستان ملکوتی امام رضا یکی از معیارهای توسعه یافتگی در کشور تلقی می شود. و با وجود تفاوت در انگیزه‌های شکوه و جلوه بخشیدن به اماکن مقدس، ولی گوئی یک همانندی اجتناب ناپذیر در کسب پاداش اخروی و مضار سرپیچی از سنت پاسداشت از اماکن مقدسه، دولت‌ها را به راه سپاری مسیر مشابه‌ای در سیاست گذاری سوق می دهد، چون مولفه‌های جامعه ایرانی پرده از این واقعیت برداشته که اگر در ایران مشروطه در دوران استبداد صغیر تعطیل شد، اما کار توسعه و مرمت حرم مطهر تعطیل بردار نخواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- احسان نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ترجمه، سعید آذری. - تهران: رسا، ۱۳۷۳، ص ۶۲.
- ۲- نصرالله سیف پور فاطمی: آئینه عبرت به کوشش علی دهباشی. - تهران: سخن ۱۳۷۸، ص ۶۳۷.
- ۳- پرواند آبرهمیان: ایران میان دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی. - تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
- ۴- علی مؤتمن: راهنما یا تاریخ آسان قدس رضوی. - مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳، ص ۲۶۷.
- ۵- حسین فردوست: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱. - تهران: اطلاعات، ۱۳، ص ۶۸.
- ۶- محمد علی شوشتری: خاطرات سیاسی سید محمد علی شوشتری (خفیه نویس رضا شاه پهلوی) به اهتمام غلامحسین میرزا صالح. - تهران: کویر، ۱۳۸۰، ص ۸۱، ونک، سیف پور، ص ۶۲.
- ۷- مهدی علی خان هدایت: خاطرات و خطرات. - تهران: زوار، ۱۳۷۵، ص ۴۶۲.
- ۹- منصور معدل: طبقه، ایدئولوژی و سیاست - تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، ص ۵۰۶.
- ۱۰- ماروین زونیس: شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر. - تهران: طرح نو، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱.
- ۱۱- همان، ص ۱۵۱.
- ۱۲- عزیزالله عطاردی: تاریخ آستان قدس رضوی. - مشهد: عطارد، چاپ و انتشارات وزارت و فرهنگ و ارشاد. ص ۲۷۰.
- ۱۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. - تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۶۲.
- ۱۴- مؤتمن، پیشین، صفحات، ۱۹۸، ۱۸۰، ۱۱۸.
- ۱۵- علی شریعتی: راهنمای خراسان. - بی جا: الفبا ۱۳۶۳، ص ۶۶.
- ۱۶- محمدتقی مدرس رضوی: سالشمار وقایع مشهد در قرن های پنجم تا سیزدهم، محمدتقی مدرس رضوی، به کوشش ایرج افشار. - مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۱.
- ۱۷- همان، ص ۲۲۳.
- ۱۸- محمدباقر نجفی: دینداری و شاهنشاهی. - تهران: گروه تحقیق سازمان رادیو و تلویزیون قبلی ایران، ۱۳۹۶ ق، ص ۹۹.
- ۱۹- همان، ص ۹۸ به بعد و ص ۲۷۳ عطاردی.
- ۲۰- مشهد در نگاه سیاحان از ۱۹۱۴-۱۶۰۰م، با تأکید بر منابع ترجمه شده به فارسی، نگارش بهروز طاهرنیا. - مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶. ص ۲۱۲.
- ۲۱- رجال عصر پهلوی، عبدالعظیم ولیان به روایت اسناد ساواک. - تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۴۸۰.
- ۲۲- این اطلاعات برگرفته از مدارکی است که شرکت خانه سازان ایران در اختیار عطاردی نویسنده تاریخ آستان قدس قرار داده است، نک، عطاردی، ج ۲، ص ۶۶۶.
- ۲۳- آستان قدس رضوی مروری بر فعالیت ها. - مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۸.
23. The Cambridge History of Iran، edit peter Avery، V7، Cambridge university press، 1991 p291.
- ۲۴- عطاردی، ج ۲، ص ۶۴۴.
- ۲۵- بیانات امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۵.